مال اول به شماره ۲۹ « مال اول به شماره ۲۹ (۲۰۱۱) « مال اول برج خوت ۲۰۱۱

الماحب امتياز و مدير مساول : داور نماينده دارالشوراى ملى

ا مطری ۳ دران است درس

محل إداره : طهران خبابان علاء الدوله

یکی از رفقا که شرحی بامضای هي سواد بما نوشته بود و پنجشنبه كذشته مراسله إش منتشر شد كاغذى مبنو يسدكه ذيلا درج مبشود رفيق ما در شمن بما وعده داده است که برای شماره پنجشنبه هر هفته مراسلة خواهد فوشت. من م م م دركاغذ قبلكفتمر

ه ان منواتي که تو بيهود ه در ژنو كر سيكرد ي طهر أن غرق اكتشاوت بو د ، یکی از آن اصولی را هم که متفكرين عصر ترفي ما كشف كر دواند و نوشتمرا و جودب مداحی از معارف ۱ منشا ـ براسه اینکه دو جار اشتبام أشوے – باد اوری کردم که مقسود از این حرف چیست . مسيقه عوا نها ہے معارف آکثر

كوره سوادي بيشتر ندارند وازعلوم امروزه جو اسم فالما هيج بكوش مَبَا وَكُشَالُ لَنْخُو رَدْهُ غَرْضَازَ ابن حَرْفُ ما كسب وجاهت است = اعتفادىدر بين نيست و نظاهر اين قبيل معجب ها قری**فته نشو .** بیانات خوش ر لک مثل انواع كدو = بعدالة دو ايران وفور دارد ه

را طاطن امور را نکاه کن تا به بینی تفصيل از چه قرار اللت . بيشتر آن كساني كه المسار ملت بدست أن هما است بهر چه علم از و بای است لست میفر ستند و بهر کس قارای معلو مات جديداست لقرين ميكنند . و المرابع

با ور ندار ی فر اعها لشان را به بین 🖮 از دفتارشان بی س ۰

اصل دیکری که ذکاوت فطری سیاست مدار های طوران اکتشاف کرد اين بود المحالة المحال د بهر قسم هست با ید معروف

بازادی طلبی شد کی

متا بعث أزاين أصل مقد س مهم ترین شرط وجاهت ملی است 🔹 اگر میل داری در عداد خوبان

بيائي - از امروز - بمحض رسيدن این کاغذ – ازادی خواه شوا خُود مان را صرف این قبیل صعبته ميدام چەمىكوشى نخبر جيناب

عالی بان معنی که ما میخوا هیم از ادی طلب ليستيدار المناس الما الما الما

ازادی خواه ایرانی هیچ گار ندا ود حریت چیست و بچه شرطهاصل 

پر تو میکولی ملت بی سوا د نمی فه. د ازادی یعنی چه 🕳 توکیا ن میکنی آ ا بران از فلاکت و استیصا ل المروزش خلاص نشو د اصلا بفكر ازادی نخواهدافتاد ــ تو بخود من میکنتی :

و هزارها رعیت ایرانی رانویه هر سال زرد وبلا سیده رنك می كند و میکشد 🕳 هر چند سال یك دفعه ويا باير أن ميزند و صد ها هزار ایرانی زبان بسته را زیر خا له می ر د 🗀 عدر ها الت كه جر ب و ما شرا و صد ر أمر بلا سے دیکر به جان ملت لخت ایران افتاده و نژاد ما را علیل و فاسد و معبوب کرد 🛫 مرد و هزار ا با دی ما بیك طبیب صحيح معتاج استو يك عكيم باشي قديم درهرصد قريه بيدا دي شو د = با این حال و با این روزرایت ازا دی بعد جاك زدن مضحك نيست؟ به ان لمبتی: که ازادی افکار را

بجاً و بی جا بکوش همه میکشد باید گفت: زرگوار ۱

خوش مرکی ا به کی م ملت ا پر ان زبر یلاس پرشپش توی افتاب ا فتاده 🗕 نداه کن چه شکل میا زد ۱۱ کر ر است میکوئی ــ اول رو در فکر مابیب و دوا باش . ادبار سرا پای ایران را کرفته 😑 تو عوض همهٔچیز بلی = عزیز مرا این حرف ها راً مكررخو دم از ثم شنيدم ا

ارای ازادی غزل میسازی و نه 🖦 واستی خود مانیم - این د کر عوا م فریبی نیست و خر فریبی است و پر طابیعی است که بکو یم ازادی خواهی، و بی وسه لیست - ما احرار کار د باغ خانه – هیچوفت عمر پر قیات

أ أيراني بدُّو ن كمتُ طبيبُ مُيميرد و بی د و اجان میدهد - ندرك ، الِّينَ ۚ دَكُّرُ مُرْ بَوْطُ بِمَا نَيْسَتُ مَا يُكَ چیز ایشتر نمی خواهیم : ازادی ملت! ا م م م سرت را پیش تر بیار، الهُستَه زير كُوشُت بْلُو بِيم ؛ مُقْصُودُ زادی نست = معالمت معلوم است= بأيد مه وف به ازادي خواهي شد ﴿ دوست با تجر به ات : بي سواد ﴾

AM - HAVE WELL وارالورايي -بقهه مذاكرات جلسه يوم سه شنيه رمداز تنفس ساعت ٧ بعداز ظهر مجددا

مجلس نشكبل كرديه آقای رئیس - چون در خاراج بالرامان قضبه حادث شده استه برطيق ماده ۱۲۶ بایدتی باطلاع مجلس شورای ملئ برسددر خارج بينجنه نفر ازنسا بنده كان كفتكو ني شده است و حالاخره منجر عَلَمْ أَاتِ لِهِ رَوْنِي أَعِما لِي كَهُ سُمِهِ لَهُ ينحه استارحب وظيفه بنده الجقيقات مقد ما لي كر دمو لي حون هنوز بو بنده معلوم نهشدم است کی مشاء اسلی این قصبه و اشخاصي کهشریك بو دند کسی ما ابوده اند این است که جنین ملاح ديده شد كه مطل العرض مجلس برسد و از. آقایان خواهش شود که این مطلب را این خوا عنوان نفرمایند نا در تانی در هبأت رأبسه مطلب عنوان و الحقبق شده بغديعرض مجلى بوشد ( صحبح است

صحبح است ) روی کرام فرا تت می شود. ماده اول پرو کرام فرا تت می شود. أَمَاده أول لَجُرُ حفظ مناسبات حسنه دول متحانه و انجام قرار داد های لجار ليو پهتيو للکرافي با دولت روسه بطريقي كه با مصالح مملكت وا فق داشته باشد و عقد قرار داد پستی با دو آت

افغاً نــــان الشاهزاده نصرت الــــدوله ـــ اكر حه آقایان نماینده کان محترم و رفقای بنده به اتاوب دراین جا بعرض آ قایان رسا لبدند و در ضمن مذا كرات عملا ثابت کردند که مقصودی جز روشن کردن قضایا برای مانبست - بنده هم كه اين جا آمده ام باز اين ممثله را نکرار می کنم که مقصود ما این است كه قضايا روشن شود ـعلى الخصوص ماده که شده در آن حرف می زنم ماده مربوط بممامت خارجي است و سماست خارجی همیشه در هر مملکت بایستی بکلی خارج از اختلافات داخلی باشد همه ما سخواه در ۱۰ سنزیت باشیم اشد. خوام مر اقلبت بأشهم - قبل از همه

مر الله على الله الماره المال ما ع شاهي است

۱۹ رجب المرجب ۱۹۲۱ (۸) مادس ۲ ۹۹

این روزنامه بدون الخاصای کتبی برای کسی ارسال نمیشود.

القایانی که شهریه برج حال و توو هذه المنه آن ها تا کنون معوق و این پر داخت نشده است اعلام: مبشود که برای دریا فت شهریه برج مربور بوزارت 🗽 ما لبه اداره محاصبات كل مراجعة نما ينك لها بالدين بها الله اداره محاصبات كل مراجعة نما ينك لها بالمرية

وَالْهِ اللَّهِ اللَّه

المعالم المار مكان ادار و اير ن مد والمعالم المار و المراد المراد

اداره روزنامه ایران در خمایان لآله زار بخانه متصل به جوراب فروشی (قدس) رَّو بروى كوچه ظَفْر السَّلْطَنَةُ أَنْتَقَالَ بِافْتَةُ أَسْتَ

و قبض مستموى موظفین متوقف مركز بلا استثنا در دایره وظایف سادر خُورِهد شد لازم است آقایان آباب حقوق بدایره مزبوره مراجعه نموده قبوش خود را سادر ووجه آن را از سندوق درا یافت دارند و قبوشی که مبلغ آنها زیاد یاشد میکن است باقساط مراب پوره اخت کردند گوزارت مالبه به میلسید

نسره اعلان ٥٥

رُ وَا بِدَى بِدَا نَبُم كَهُ أَيْرَا نَيْ هَدَيْمٌ ﴾ إنجابت خشارهي المت على المعدوف ال المام ما در لواى بك مسامع عاقلانه المخاص وا- براى اين عمين كتبم سه او مر کجا و مرجبزی که فربوط بشاسته ای خارجي إدب فدا يونوع اين الجديميان داخل مشوه الله المالية

قبلا عرض کردم کهو کرام درای ای ا بن است که قضایا حل شوه اسا موای بن است که نظریات دو اتی که مسخو اعد زمام ممليكت والدو مست بكبرو روشن شود و به ده . له که جه عفرده طر فدار اداره ب آقای وزیر آمور خارجه در اوضبع مختصری که روز قبل آواداشد ا فرمودند که دولت یك وظایفی دارد که مكاف بانجام آنها است قسمتي كه انجام وظبفه است درحقبت شايدار لياطئ با يركرام دوات نداشته باشد يون هو كس موظف و مكلف أبا نجام وظبفه خود هست ــ و لي آ قائ وزير محترم خارجه فر مو دند كهديك العهدات ديكري غبر از قطایای وظیفه برای دولت همت که در خفیقت یك توع مواعید و المهدات وجد انی است که آنها در در شمن آ برو كرام در مجلس اظهار مبكسند كه الله ميخالفت و موافقت معلوم شود الله

ا ﴿ أَمِنَ مِا ايشان كاملا ﴿ مَوَافَقُمْ أَزْيِرا ا الشيخمس بك موافقت با ميخا افت از روى بك مضامين كلى بنظر من خبلي مشكل است در صور لی که روشن شدن ما کل فوق العادة أز نقطه نظر احتباجات عمومي و سباسی این مملک بنظر من از مدا نل این خبلی لازم و والحب است ـــ و درحه مت حبريكه هادى اظهارات المن خواهد شداب تجبری که سلب اظهارات من خواهد شد أفقط هين خواهد بود 🗀 يعني له أثنها الم من از نقطه أنظر احماس احتماج عمو مي باين مسمُّله عنه نه انها از أنقطه تظرابنكه مَا خُودُمَانُ بِلَكُمْ مُوكَايِنَ مَا هُمْ مُعَقِّ هُمَاتُنْهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ

قبل أز الممنه خبر شايق و مايل هستهم الطوريكة درا اين يو كرام نوشته عده ي النباشت خارجي ما محفوظ واستقلال الخبلي مثكل بنظرة مباينة كي يك هوجنو ع ادومه داشته و الرهل نوع المرض معون محفوظ باشد المتعميحكس بك حنين قضا بای مهم را نما بد مخلوط باغراض الدهد ر سور نی که بنده هم ادر این موضوع مُوسُوعٌ مقصود خَصُومَى لَدَّارِمٌ 🚅 مَمَاحِنُهُ در برو كرام دو لتاؤ بحقبقت براى روشن كردن يك كنهاستى است المسالا ابن سباست مبخواهد خارجي بأشد مي خواهد سبات داخلي باشد ـ هر و فت بك دُولتي لجديد مُبشود ﴿ هُرُ وَفَتُ بك كاسنه جديدى در مقابل نمايندكان ملت غرض اندام مبنما يله و خط مثى أشماست خــود رأ در معرض أفكار عامه كذاشته و لقاضاي زأى اعتماد مي كندك أيد تديت بكلبه قطأ باي حاريه مُملكتي عقايد شخود الزا بطَلْمُوْدُ وَصَاوح أُنطور آشكار ببان نمايد وُهُ حَقَبَقَتُ أين قضاوت و حكميت زاركه مبخواهم لَّدُونَ مُراعات أَيْنَ مِمَّلُهُ أَبُرُاي أَفَرُادُ موظف بها بن وظبفه ممكن نبيات ا

المته اعتماد بأشخاص خسودش در قضاً بای سُمِاسی تَجَبّر مَهُم و عَمْدُ مَايِسْتَ أُولَى البُّنَّهُ آقايانَ لَصْدِيقَ مُبْفَرُ مَايِنَكُ كه فقط أبن أعتماد تراي تحدي. نبت كافي نبت ـ وممكن استباداشتن نهايت حسن أبت باشخاص واسطه عدم سَايْقَه مَنْ أَبُو اسطة عَدْمُ أَطَلاعُ فَكُرَّى أنها فلل السا داشين اعتماد شخصي كث اعتماد شباستي ممكن تشود الساء التنا

ا کر چه رئیس مخترم جلس در مو قعبك يكي أز همكار هاي ما مداكره مبکردند ناطقین را متذکر نمو دند که از موضوع خارج نشوند و لئي محدود كسر دن موضوع پر كرام خبلي متكل استُ لِمُشَاءُ مُثَلًا أَيْنَ مَأَدُّهُ ۚ أُولَ كُمَّ ۚ وَأَجْدُمُ

ا پر است های دو ان 🗝 حطور اطبیق

خواهم کرد این مناسبات حسنه را که

علاقه مند بأن هستيم راهي را كرآقاي

متوخه اهدالي مملكت خواهد شد ...

من انتظمار داشتم که در موقعی که

قضيه بهاك ا قضيه حديث شده بافد- والى

دبرواز اظهارات آ فلی وزیر امور خارجه

رُود : أن المجام بكبرد بهتر خواهه بو ،

ممكن است كه آنها لبكه ذي نفع هستلدا

اظهارعقبد معلماني بكسائد كه فوق العاده

الحجا لبية لوجه باشند ريبوان الله بيدارية المحاجب

بعرایض که عرض کودم و با کسال

خصوصبت والمجلوصة عقبده اظهار دايتهم

يقين دارم در مقابل آيشها عجوا بها ئي كه

خواهند فرموق و تخولهم شنبد اقناع

كننده خولقد بود - الاستان الله الله الله

آن مسلمت العلم عاين است كه در هر

میباست بو یکاری یا وسائل کار، مهبا بهتر ر

المنابات المناكر المتعارض وارتم وا

والمثه ينفره انتظار فارم كه نسبت

ربنده خبزی را که داخل می شوم

باز هم در و قدمت سوم بك م قدرى

دن کارم: سابق عمل نشده بود وه

ظلم ها لي ك فرمو دند شدة الث

كابهنه سابق ابولاء است و ابن

تُعدلبه مارا النُّطُورُ أَصَلاحَ كُرُدُّ ا

السات كابينه سابق أشان تديده

و حون بنده رئيس كسبون خارجه مه

بوده ام ا کو در مجلس آ قایان ندیده

اند الما الما در كمسبون هم نديده ام

ے سہاست روشن آئهم فاین مقداری که

أزامل علم قانون اساسي همم أنطوف

و حون فرمودند سماست ووشن من محالا

اول فوفعه اينت كه مبشتوم قشون الجنبي

درا خاله ما است على ابن سباست روفشن

﴿ أَمَا أُنُونَهُ عَالَىٰ كَهُ خُواسَتُنَدُ رَا هُمُ يَ

ماده اول نوشته شده است در صور نبکه

دو لت حاضر يك قدمت آن داهم معين نموده

أست ووزير أمورخارجهم لوضبح دادند

که بانهایت بی طرقی مدون نمایل بهرچ

سنت این مناسبات حفظ خواهد شد سله

اين لوضيح هم لازم نبود و معاوم الود

ملتا بران آنرا قبول نخواهد كردوا ليته

وقتى قرارداد بسته مبشؤد بايد بارضايت

طر قبن باشدو در خصوص معاملات اقتصا دی ان

چه شده است امام معا و الات سباستي او اس از

اقتضا دشروع شده است استفاده ها تمه كرد،

اند اول آساسش روی باز شدن لجارت

الله ١٤ قراف و" و ورمو دند ك

و فقه است من المبدأ أمّ الحباث ال

نه أنَّهَا مَنَ أَرْ أَيْنَ نَقَاطَ لَطُنَ أُوضَبِحًا لَيْ خواهم خواست ــ ولى از نقطه نظر انتماب بهك عده رفقا وجمعهتي كه در حال اردید و امتناع هستند سه بنده برای حفظ مناسبات حسنه أنن حدنفسه وباالذات آن هاو برای خو دم و برای خارج شدن أز این لردید این او ضبحات راخبلی لازم مهدانم رفقای بنده که فعلا نشکهل بك

اقلبت مرددی را مبدهند ... در صور ای كه من مايل بودم كه ما از نقطه نظر روابط شخصي وخصوصي كها شخس رأس حفظ آن مناسمات حسنه هر کو نه اعدی، محترم دولت ۋوزراى ايهان داريم اين لر ديدو امتناع نها شدو لي حالااز ابن لرديدي که فعلا داریم ابهر نحوی است مسخو اهم، خارج شویم لذ کر مبدهم که این عده وطرزش از برای اینکه بشود موافقت یا مردد و این اقلبت امروز امام باستثنای مخالفت کرد معلوم شود ــ ثانبا بابـــد یك جند نفری که در آن موقع هنوز داخل مجلس نهشده بودند اينها دربدو تشكيل مجلس جهارم حمميتي بنام جمعبت اصلاح طلب نشكيلو يروكرامي كه نوشته اند كحاضر است ـ اكر چه اين اسم بواسطه لنبيرات و ليدلاني هم درمجلس وبدا شد از بین رخت ولی اصول اساسبش مارا دُورٌ هم فكله داشت ومعضوصا نسيت مِمَاسُتُ أَجَارُجُيُ أَمَامُ عَرَابِضَي كُمْ خُواهُمُ كرد ميني أبل بك أصول و اساس است كي در آن پرو کرام در آن روز نوشته شده

حفظ مناسبات حدثه بادول متحارية المقتدة المنفاق كمان مبكنا وزين خاراجه هم مرًا إيكذيب تبخولهند كراد يك مفهوم كلي است و الصورة منكتم هيچكي البست كه باين يمفهوم ، كلي بَيُوانه المخبالات إكند این از ایدیه ایت او لبه است که حفظ مناسیات وادواله حسنه متحابة هادول همسايه ازالزام وظایف و طیفه حتمی هو ملت و مملکت است \_ وظبفه هر فرد علاقه مدد به مملکت خود و وظیفه هم انوع آبشری است و وظيفه البدن ديها است - جبيد فت جبيج کس جبری ، نوبخواهد جرحفظ ، ماسیات مملكت وكب إيران كداين حفظ مناسبات خسنه پربهترین و الازمترین خط مشی و خ ووية ها ابت ب على الخصوص بالوضيحي که وزیر امور خارجه در خلسه قبل دادند ایشان فر مو دند کالین روا بطحسنه با کمال بي طرفي حفظ خواهد شد بدون نمايل بهبج سمت – وحلم است حنين اظهار و العهدي علاوه بري العهد اصلي جاي هبيج کونه ار دید ارای همچکس باقی امی كذار د الله اين بمطر في كه ابشان مقمود واشتند بعقبده من ابهشر مربوط بسهاست ما است ـــ بېشتر مربوط يدول همجوار ما است ــ و نه انها راين ابتطر في حمات و سعادت ما و خدمت به مملکت خواهد آبود ــ بعقبه، من بزر كترين خدمتي. كه ما مبتوانيم نسبت بدوهما يهشمالي و جنوبی خود بکیم این است که ما سعى وكوشش كنهم بدون أمايل بهبيج طرف ، واهيزيك مناسبات حسنه داشته باشيم أين بهترين سُهاست ها أبنت وها من يقين دارم رکه این اشخاصی که در همسایسه های ما دارای بك حسن نبت و واقعی السبت به مملکت ماهستند آن هاهم بیش ازا بن انتظار ندارند و زاز ما بایسد

بدا نخواهم کرد که با این جمله نثوانم همهشه سريك عجا بمانك ساكريك الشخبالي كرد و راهي رفت و انتوانست ابر یک دد یا موضوع الرقی میکن نبود . از برای اینکه ممکن است یك وقت بزۇپكترىن اسلىدرىساستى لىجرىيە کر قتن اللت زیرا همچ قوم و ملتی نمی موضوع سہاست خارجی یا باشد ــ این یك احتمالی است ب ولی المته مناین الوانام بکوید که همیچوقت اشتباهٔ نکرده است و ما در ااریخ ناحال چنین چبزی احتمال أزا نممدهم وأيقبن دارم كدمقصور نديده ايم - لمميئه زندكاني دنيا در ابن جا طربقبت است نه موضوعبت مَمْكُنُ أَاسَتُ مِا كُرْحَفَظُ مَنَاسِبَاتُ حَسَنَهُ إِلَّا زندکانی اناملی و روشن کردن آلبه بو اسطه عملمات القين بوده است – ما موضوع و متصود قرار قدهم 🛁 بنای إياستى دُرُّ نظر بكبريم بديختي ها ئي که در این مملکت در سالهای عدیده ا قبول كنهم كه مناسبات حسنه مجهوظ باین ملت و مملکت حمله آور بو دماست باشد و لی من خودم این معنی را نممکنم بديختي ها ليني كه باين قوم بالمام و وُ لَى ابْنِ حَفَظَ مُنَاسِبَاتَ حَسَنَهُ بَايِدُطُوبِقَهُ مرجماتطسعی و در ادادی که در آن ها است بالمام استعدادی که در آنها هات خطرا لي كه هميشه ماراعقب كنداشته و لطبهق ردن ابن مفهوم بابك قضاياى دراً یك خدودی نکهداشته است که سزا وَجُودُونُهُ مَكْمُوفَ كُرَدُهِ ﴿ زُبُواْ مَا كُهُ دُرِي ين جا أمرُورُ. [مدة ايم و اين قضايارا الله والرُّما نبود ماست از كجــا يو ده

شدم اكر هبئت محترم دولت در ضون ايك پر كرامي بخت مبكه م انعقب ده انشاء ابن اصل كه يك حفيقت مطلقي من بهترين مؤافع است كه اكره يك

ممنون باشد المناد المنابد المنابد المنابد المنابد المناد ا ولی هما نطوری که عرض کردم بنده لخواه بعنوان موافق خوام مردد وقتسي وشت این کرسی خطابه مهایم هیچ راهی ایك قومی مثل یك فردی بواسطه اخلاق ا و مهخواهم بخوانم ... یكی اینكه بطور

يندماز سباست مخفى ومستووواز سباست كابينه و وزارت خارجه احتراز مبكستهو معتقدم کے با اناسب اخلاقی زیمان رو بتر قی جنك بين المملل بكى اذ حير هائى كه آ همهمه بزركي أيجاد كردهمين أمذيل سماست کابینه و رمزی به سیاست وشن اود و منشا و مبداء البسن سباست هم مستر ویلس ر ٹیس جمهور آمر. یکابود كدورجند ماده كه طرخ كرد اين سماست را العقب كرد حينا نكه در عقد الحاد جا معه ملل یکه ما هم بموجب را أمکه در همین محاس داده ایم یکی از اعضاء آن هستم در آن جا هم يك اشاره ها أي نستُت المِنْ ﴿شَمِاسَتَ هَمَتُ السَّابُ رُوشُن ـ ۋاضح ازنقطه ًنظرسهاستخارجي براي دنبًا كه قواى ماد بشان زياد لـــّـر است كوحك هنتهم ــ اكر حه اخلا قااين طور نبست ــ اخلاقا عرض کر دم اقای از شماست خارجي بوده است ! "به

> سیاست نازه در یك مملکت نازه که ا واسطه این بوده است که در مملکت ما مَى حَوْاهُمُ مَا يَكُدُ ارْيَمُ اللَّهِ عَلَى جَبِرَ مَمكن نشده است كه ما يتوانيم مَما تُل ها ألى تبك سباست ها ألى دو مملكت ما الرا از هم الهكبك وكتبم المثل اين كه لمُوجُودٌ است أَبَايِدُ أَ دُيْدٌ أَينَ مُحَفِّنَظِهِ ﴿ مَمَكُنَ نَشِدُهُ اسْتُ قَصَايَاى وَقَصَادَى از مناسلات با جه طريقي و با جه راهي؛ با ا و نك سهاست آزاد باشد و اين بكاتمنيه استشهاد مي كنم بقول خود آقايوزير الما الحقظ مناشيات خديد براي ما بهترين خارجه که فر مو دند دولت پرو کرائمی سیاست ها است ایا تا کی از و ارسی كه به مجلس مي آورد براي قضايائي لرئيب الم الوقتي كه قضاياي فرو أي او ست که مختلف و فهه است و برای این از اقتصادی ما در مملکت در لحت ایك فهارا كه دوات لكليف خود را بداند ماى ظاهرى يا باطني فرق تنميكنديك والر واقع بشوق سي ما يعلى ابن مداخل اوا منسلا ما باید بدا لبی که درحقبقت | در نظر بکبرین و وقتی دم از حفظ ين حفظ مناسبات نمى نواند يك طرفي المناسبات حينه عمرنيم و على الخصوش و معامله در دلبا معامله [ وقتن در مقدمه اش نمانویستم سعی در متقابله است من براى اينكه دولت ما الحفظ مناسبات الحديد الله بنده ممان طوور مجلس ما و مردم مملكت ما وتواننيــــــ ا كه عرض كردم اين مطالبي راكهاظهار

موالرد هدت که مغالفت با مناسسات ا ولی نوضح دادن و منعکس شدن آن حسنه می کند هست یا نبست بعلاوه ا در افتکار ملی خبلی فرق دارد و من خَبْلَى مَن شَايِقَ بَنُو دِمْ وَ خُوشُوقَت مَنَى الْمُقْصُودُمْ ابْنَ السَّتَ ﴿ وَقَتَّى كَهُ مَا تُدْر

ات بك حدى براى أين قائل مي مائل مهمه در مملكت ما يا در خارج شدند الهمه بدانند كه حدى كودوات المملكت ما يا در خارج مملكت ما و در مُجلس قائل هستند كدام است \_ حدود ما است بهتر اين است كه خُرْف يَعَقَّبِهُ مِنْ وَ حِنَّا نَحِهُ إِسَّا بِقَا هُم "دَاشَتْهِم " بِرَنَّهِم "و "مذا كَرَهُ" كُنْهِم " وَ "قَضَأ "يَا "رَا آن حد نا وقتی است که سماست دیکران ووشن و حل کندم سیاست دیکران منا فی ر با استقلال و ارقی و اهسالی از ایرای حلو کبری از ایرادی که مملكت ما نباشد \_ هر كدام ازاين ممكن است از دو نقطه نظر به بنده به ها یك مدحتی دارد \_ برای اینک شود ف یکی ممکن است که از قفطه نظر ممكن است يك عملما لي مز في لرقي اسابقه الخندمتم در رشته الهاي سماست ما به شو د در صور لبكه در بدو امر منا في خارجي دولت و يكي هم از نقطه نظر أَسْتَقَلَالُ مِا نَهُمَا شَدُ اكْرُ حِهُ ابْنُ نَهِي اقْلَبْتُ وَ اكْتُرْبِتُ بِشُودَ ــ بُواي بِهِش بَهُمْ يَ شود ـ أزيرا مداخله أز هر حبث طبعا اولين أيراد بندة نطقي را كه دركابينه منا في استقلال است و لي من خَبلي مهل آقاي، قوام السلطنه در موقعهكه ميكي إز

داشتم که آین حفظ مناسبات مقبد، باین اعضای اکثریت و مدافع دولت بودهام ا ما باید بی خبلی دقیق شویم و از کردمام کابن اظهارات را عبناازروی الجربه كذشته نتبجه بكبريم ب إكر دفتر مجلس كرفته ام كه سنديت دارد

طبه عی یا افکار عروزه اش مقهد بود که عقبده او منم که سباست روشن باشد...

والمهمين ساعت و همين آن بناى يك شَمْخ الاسلام عَــ أنه أمدُن جَدْيَده و عَنْ الصديق مبكنم كه در المدن جديبه ما نبلي عقب هستيم و ربحتا ج هستيم كه آنها یاد بکیریهو معلم بیاوریم الله الله الله موقت م كالدو للمبالث خارجه نعت مبكنيم بهبي وجه د لبلي ا المادد كه اكر درد ها أي داريم مطوح كنيم الله در آن مو قع كه در كرام كانسنه م هاى وقوام السلطنه مطوح أبود خطاب به رئبس الوزراء وقت آقاي قوام السلطنه كرده و عرض كردم كه ﴿ وَلَى الْتَقْبِدُ مِنْ رَاجِعُ "بَهِكَ أَرُوْيَهُ ۗ و به بهند كه طريقه كه اكتريت يا إوقت بتوسيلا إر ليات قوياد (داشت مختبيق الو اسلوب كهنه است كه از هر احبي نا الفساق بك مجلس أمن وسندد كدام المبشوق في الدائم وقت الواسطة هائ ديكر الموافق يا احتبا جات فعلى و أفسكار البد بدافيم كالمتبلخ معمو والحكوم الما له فق شوند كه خفط مناسمات تحسيم اوا ممكنيم ابرائ وضبع خواستن است كنند يا مناسبات خوب احداث اكر سؤال نميكنم براى ابن است كه رأينه بايستى مطمئن باشند كه مناسيات الجواب اطبهق شود و مجنا نبجه عرض كردم حسنه إذ طرف طرف هسم نسكه داشته معمج داملي ندارم غيرة از طرف خوب نمی شود و بایستی به بینند که یک از آفایان این مشله را در نظیر ندارند

آمروزى أست و آن أنهفتن حقايق استتار و قا يعر و مالك المراه ، قائل شدن تشماسي . مُحَمَّمُ وَ اعتقاد ومقابن دُيلِما لَمُسَكِّي وَ النبكي أ تعدارة الحسرى كابينه هاى و دار لی است م قلی کر نیس اکو درا عظری این برده های اوهام و نرك این کهنه يُرستي ها و سل آءتماد از جمودت در أين سابقة ها إزشان شما و از وظايف الكردن ابن ها و دو، نقاضاي النسكم و لبه این مجلی و نماینده کان دور. تحمارم است زیرا که در یک عصری که ا قوى لرين حربه و بزرك لرين وسبله للمشرفت امور انفاد حقايق در دنهاى مُتَمَّدُنَ وَ لُوسَلَ بِأَفْكَارُ عَامِهِ اسْتَ الْعَقْبِ ا رو به محالف حقيقتا فقصان در اداي ا وْظا يَفْ أَسْتُ ﴾ تَا اللهُ ين عين اعداد لي است كه دية صورت الزامدرك قطايا براي مرقم " لوليد مي وافقت برئيس دولت وقت اظهار كرده ا شواد ردم شود ك شابد آن خبالات وي نبست كه معتقدم سماست خارجي ما بايد انكند و عداوت هما أي ايجاد إنمايدكه روشن باشد \_نه ننها برای ما بلکه معتندم که امام آین ها برای حفظ مناسمات حدنه اسبات خارجی ما از درای لمام عموم المضر است کسی المام عموم المن است مُردُم مُكْمُوفُ و أَرُوشَنَ بِأَشْدُ لَا بَايِدَ حَرِيانَ } در بر کرام دولت در آن قسمتی آیا مهم آن در نشر همسه مکثوف باشد ایک راجع بحفظ مناسبات حسنه نسبت به ور این صورت من مهخواهم بدانم که اهمایه شمالی انت قصیه بیشتر نشریح

مي داشتنداليته در نظر است بازاشاره مشكلي و مانعي در لجارت و روابط

مثلاً ما این مناسمات حسنه مان خطور ا می فرمایند که این قضبه قضبه مرامی

احسی خدر بنساده مان و. نرفتن آن ها: ا در انجام آن ناخبر شود خرر عمد

الطبيق مي شود با بو دُن ك عد، قشون أنهات قضبه اين أست كه هر ساعتي كه الله

مى كنم باظهارا اى كه شده است - العجار لى ما نياشد - ولى البته لصديق اليه

أبس الوزرا الدبشهدا الد حبت ا العالى برويم - اين دوره بعد از چر ااین ستوال را مهسکنم برای آین است كوله انها فضايا از "براي عموم رو شن شو دنه ، برای این است که ممکن همه آست به در آن راه اختلاف <sup>•</sup> نظر داشته اشهم يأ توافق نظر واشته باشهم ــــممكن استُت نَعْدازُ شُمْهُ لَدُنَّ أَلْمُهَدَّاتُ أَوْ تُهِنِّى دُو اللَّهِ بِلَكْهُ نَهَا بِنَ أَمُوا فَتُنْ ذُرُا دَأَشْتُهُ أَبِاشُمْ مُمَكِنَ أَهْمَاتُ كُمْ أَرْجَعَالُ لَرُدَيْدُ لَخَارُجُ وَ الْمُعَالِّ لَلْمُونِيْدُ لَخَارُجُ وَ الْمُعَالِّ بكو يَمْ مَنْ بِأَ اَيِنَ ۚ لَىٰ لَلْبِهَاتَ ۚ مُوافَقَ ۗ تَنْبُسُتُمْ ۖ ان برای این موال دا می کنم كه ميخواهم به دانم بأ ببنم هُبَمَّت محترم وَّلْتُ وَقَا بِعُجْبِلِي مُعْهِمُنَّى كَهُ دُرُسُرُخُدَاتُ ا فريي ما الفاق افتادهاشت دراين مدتحه که یك المتى هستیم که در مقابل مال اهي و ح سباستَي نسبت بقضبه كردستان ﴿ وقضبه استقلال کردکهاز قضایای حبانی اللَّهُ مُملَكُ اللَّهُ فكر كُرُدَّةُ اللَّهُ وَلَا اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ قَصْمِهُ ﴾ كردستان أيك سؤايق درازى ﴿ دارد سے آقای وزیر خارجہ خو دشانر ہے۔ شاهد این قضایابوده آند و در خدمت خودشان حدر اروپا بوديم و ووقتي اين سيا عنوان بيش آمده بود دراي مملكت ما خطرات عليمي داشت حالا هم دارد - كر دنشين مشترك مابين أيران و عنماني را و فتي كتبده اند كا نقته آن الان جاعد ا است 😅 کرد نشین ایران دارای یك ملنون نفوش است و کره نشین دیکر يك ملمونو همتصد هزار كه ٢ ملبونوا ٥٠٥ حــزار است كما إلىك الملبون عن الم أيدا في است \_ ما بايد بدأ نبم كهام تفلال نابت بمشاحه التبري دارد ما شہیج محاودی کہ از موسل بعنوان ملك مخمود قبام می کند و وزیر داخله حوُّه والسُّر خدات ماسلي وسعد الواتي يداُّ اغوای عشایر و ایلات - این ها رشیهزا به ا هُمَا تَى است كه ما ذر جرابد اروياً و درًّا جر ده اسقلال کرد می بینم \_ بنده ا بعقده مخودم إز رؤشن بكردن ولمطوح أبس دو ات عقبد، خور را اظهار نما يد هملج منظ مندي كنم و الا محدود يك سي فكر آزادك لازمه مر وكيلي است و صرفه مملکت همج نجاوزی نمیدانم و روشن کردن واین شهاست را برای شه ملکت نافع می دانم و شاید به آن نعی أوهام و خمالاني كه براي بي اطلاعي

مېشورد ياکار ساکورد دي کس که در سايست خارجه بيحت ماكندة يا نظوش وي بقماياي الموليط بسه سياست خسارجي مماكت معطوف كند بايد وزارت خارجه و عمال اجرای آن سماست خارجه را هم در نظر داشته باشد مها مريد ردر المنمو قع من المخبلي خبوشو قتم كه طرف مطالعه من شيخس آقاى ذكاء الملك هستند نے آیشان یك سال درا و پا وامن شاهد يك منا ظرى ود ند ركه يقين دارم از پشت این کرسی خطا به همیج وقت كتران نهو إهند كرد ـ خود آ قاى ذكاء اللملك معتقدند كه اجراى وقا نون وظبفه دولت است ـــ خواستم به بهنم ننبت إيمسا مؤوين خسارجسه که مسدت اسوقف آنها گذشته است جه پر کسرده اند نه این ایسراد را من در کابینه سایق داشتم و نسبت به بودجه وزارت خارجه با ابنکه مخبر كمسبون بودم إلى اينكه مدافع دوات بُودم برخواستم و عُمرض كردم كه من ازاین بودجه دفاع نخواهم کرد زیرا نمبتوائم قانع تشوم ، كه أبك قا نونى از طرف هَبِئْت مِقْنَهُ وَضُعُ بِنُودُ ﴿ مِ آ نَ وقت همبنت مجريه نكاهل در اجراى آن بكند و آنوقت بهاید از همان مجلس حِه نوع ما أين مناسبات حسنه كم نهايت الشدُّ است / ، البته أين مطلباز مسائله إله یرای همان معارج پول بخو اهد و من آرزو مندی دازیم برای آن آن هار آنجه خبلی میمه و مردم این مملکت امام وعباً يَكُ قَضَا يَا لَى نَطْمَبُقَ كَنْهُم ٱطْهَارَاتُ مَحَاجٍ وَ عَلَاقَهُ مُنْدَلِّدُ بَابِنَ كُمْ أَبُواب آقاى شهخ الاسلام، وقتى نمايته مكان الجار لشان با مملكت ووسيه المفتوح جنوب راجع بجزایر خابج فارس صحبت شود \_ همه آرزو مندیم که همچکونه

مانا قص بدود آنوقت پلسور کنهد چقدر مطا ابنی است که زاجع است به پل کرام . ظام خواهد شد سه جقدر بدیختی ایجاد خواهد کرد از نقطه نظر عامودین .... ير كرام دوات به قمجان مي آيد اين أن وقت يك إشخاص رامنل غارخان عما والملك مثل صديق السلطنه مثل مهرزا. على اكبرخان بهمنىكه اطاعت امن قانون اكرده الندعايين سلندرو فلندر بما تادو شخاص مربوط است که ایشان از آنها . همجكس هم احوالشان را إيرسد باين دفاع می فرمودند و سایر رفقسای ما باید برای ،این بر کردند که در مملکت مجترمتان در این موضع حبالی همیج مشفول خدمت باشند و بجاى اينها لقايان استخبطاحو سٹموالی نیکردند که متعجبان مدير ها أي كه مبل ندار ند از وشت مبر. حالاً در بدو أمر هم استمضاح كردند خود برخبرند بروند، مامورین وزارت هم سأو اله ـ اعمالي كه آن كابهندر خارجه حون من اطبلاع كامل دارماين طور نبستند وغالبا مبل دار ندكه ماموریت ، زمان خود مجر انداشته خالا می خواهند

مرا مؤدة كرد ويزا ابن طور استنباط كردم اكسه هيوز آين فطلب أنجام المام قطعات شمالي در آئس فقرء و فلا كَ مَنْ سَلُورُ لَمَدُ ﴿ وَ النِّن الْمُسَلِّمُكُمْ مَنْ الْحِهِ و أسبت بهمين قضيه هم از، نقطه نظر ملاح انحدیشی همم بشورای ما نبست من الصورا می کشم از الکرانی خارج ها أي درخارج داشته باشندو لي آنها أي ا دن وقت بر كرام أجرا شود. كردن و المائن دادن مردم از هير كه اطاعت أمر قانون را نمهكمنند مانع حالاً ما بالله ياد آوري كنيم أعمال واهش الله الله عن السائدن، قضا يا است هستند به بروی و مستند و این می از خودشان را به همان همین دولتی کهاز بافراد مردم که مهمنج افرد خوشی بین اجرای ناقص قانون این ناتبرات او دفاع مبفر مو دند • ٤ رُوزه منتظل انجام قضيه ؛ نياشد 🚅 ا دارد \_ المناتب والش اظلتم است لجارة و فلاحين و وادعين ابن قطعات نه لنها از السكراني بهرون بهايند ندا

مخصوصا از همئت محترم دولت و آقای ا سایر قوانین را هم اجرا نکرد حالا رئبس الوزراء ووزير خارجه استدعاى جدی دارم که برای حفظ، شن افتحودشان در ماده اول پر کرام استبطاح مبغر مایند و مملکت و بنزای حفظ شرافت و کناء البته مجنون عقبده آزاد است در نظیف این قانون را معین کشد و ایا حرنی ندارم بنده هم آزادم و ند کر حفظ مناسبات حسنه سباست خارجه معدهم كه أعمال سائبتين و ا از اين ها سباست داخلی امام اینها و بعقبده من در مؤاخذه شکتبد ولا اول یك و ساغتر بك مملكت شوروى در لحت لواى اطاعت مهلت بدعبد من ساز ال عم استبطاح رُ وَأَنُونَ وَ دَرُ لَحِتَ لُوايَ أَجِمَايُ فَا نُونَ ﴿ مَمِكُنَ أَسَتَ هُمْ سُؤَالَ عُمْكُنَ أَسْتَ وَ مُمَّ است و هبیج فردی دل من بالا اراز قانون محکن است. که اجرای امام عوا آنین را ومبدناهم على خطاب ون بما موريني است و در يكساعت خواست و است ور خارج مي نشهندو خودشان دا بالا آي مابا سال المل بعطا لمي كاظهار مَجِلُس " بالأمر أز دوات بالأنر أن أمبشود كوش مبكنم و أن إند. و رفقاه المون اساسى مبدانند على انشاء الله المبد المعم طالب روشن شدن مطالب و سياست از آوای ذکاه الملك كهمجنا نكه روشن هستهم اما منا سفانه ما روشنی در مُعَرُّوفٌ إِنَّهُ تَحْسَنُ اخْلَاقَ هَــتَنْدُ مَعْرُوفٌ إِنَّهِ حفظ و اجراي قانون هم باشند مناز ندار بدمكرا بن كه مقبد بإجراى ابن عانون

از طرف عده احسنت احسنت أشاهزا ده سلبمان مبرزا كالمذاء كرات طولائي و مفصل شاهرًاده تصرت لدوله را من مي اوانم به جهار فصل نسمت کنم 🖳 که بك قدمت آندا وجود نبحر أيشان به نظامنا مه داخلي و حقوق من ملتبت تشدم البته فو دشار | است ؟ من خبلي معنو نم كهاد آوري شد

الموضح خواهند داد 🎊 🎊 🎼 ومطلبي مفهوم كرديد و المعاد المساء و از یک قدمت هم ناریخچه یود از ومعين استُ دُورُ إِن كرامُ دوالت سَا بِقُ هُمينَ عَ حزب اصلاح طلب که ی نوانم با کمال و نزا کت عرض کنم که بلکی رُ آن لزیبنات بود که در سابق مم روی بغضی احزاب می کذاشتندبرای اينكه مفهوم ميخا الف آن به ميخا الهين خوف يكويند والى آقايان نكفتند 🚞 من دُر این قسمت هم داخل نمی شوم زیرا جزء پڑ کرام دولت نہت ہے و البته بك دو لتي هر كن نخو اهد نوا نمت ایك فرارداد خارجی بر طرر مماکت يُكُ أَوْسُمَتُ هُمْ إِلَا إِينَ اصْلَىٰ كُمْ كَفَتَنَاكُ ( از هر چېز و از هر کجا که راجع آیران بدهد و اکر چنبن چیزی باشد بسباست خارجی است در این وقع می الوان كفتكو نمود ) من چون معتقد الصوراً ممكنم لك عموم وفقاى من جه إليان اصل نبستم و خارج إز موضوع مي دراقلبت وجه در اكثريت بامن موافق ادانم قر اين قدمت هم داخل نمي شوم هستند که اجرای قانون را بایستی از است اما فصل جهارم یك اقاضا هـا و دو ات خواشت \_ هر قا نــونی را که انصابح بود ـ به آقای وزیر امور خارجه دولت نعمتوا نــــــ اجرا كند يا صلاح الله در موقعش عمل خواهند فرمود است و در خصوص اجارت باروسه كه نمی ببند بایستی بباید نقض آن قانون و شاید بیشتر از آن ها را خود شان احضرت والامبخواستند امشب نمام شد. به

راً با دلبل از همان مجلس مخواهند و در نظر داشته باشند و با عمليات تابت ا بمناهدرسور ني كههمجكو نه مو فقيني در كابېنه

ـ بد پیختی و قتی است که قانون اجهای اخواهند کرد سیکی است

بدوات، لوضَبُخ، دهه که مخبلستی هو فقهت حاصل شده است اما در خصوص استقلال ا كا دليت أن اكر الدواخار الحكمي الحوافي أ رائجع باخرای قانون سحبت می نزمو دند 🖟 بزانه کاین آجزء 📆 رزو است 🐇 🔻 🕍

ما هم خبلی آرزوها داریم ولی نا تبری أدد مترجم إول و ثقرال قونسول المرارط هرا وأفت كهخو استند المردي كنند أ قَدُونَ نَبِرُومُنَدُ مَا مَثَلُ سَالَ كَذَشْتُهُ آنَ ا هارا قلم رقمع خواهد كرد و بعلاو ما يرا ني مثنول مداكرات سماسي بودند ایرانی است و همچوقت مجزی نخواهد شد كرد ها از همه خير بهتر مي دا لهم که قبل از هم چېز ایرانی همتندشهغ، محمود هو چه اخبال کند از دائره خُمِّال خُود بِهرون نميا بد در مسمُّلا سواحل مبس الوزراء مبرفي كرويدو سيس خلبج قارس هم إظهار كردند كهما نا بأداره بالديه رفته كلمه دوائر و شعب بي حِقْدُرُ: مَبِنُوا نَبِمَ لَحْمَلُ كَنْبُمُ الْمِنَّهُ أَيْنَ لَأَ آن آداره برا معاینه نموده حکم اعظم 📆 و قُتِّی اشت که تمخالف یه مشالح مانباشد رُوْسَای ادار مرّ از چایشان ر معرفی قمودند 🚓 المتهمر كارى در دنيا وقت لازم دارد مُمْبُو آلبوت أبس عايدات مستقيم والدى و المبدواريم كه قوانين كه الم حال اجرا هم اعضای اداره خو دارا بایشان معرفی علم نشده است به مساعدت آقایان بدون استندا نمو دم , و او ضمحات کامل از عابدات پلدیه 🖟 بموقع اجرا كذاشته شود و آنچه هم ا يأيشان داد : الله ما يايشان داد . دواتی که اا زه شروع بکار کرده است ایکاجراشدنی نهات الغا کردد

خلاصه مذاكرات در حلمه يوم ع

ششنبه ١٦ برج حوت ١٣٠١ بسيد

أَستُ آواى مؤالين الملك لشكيل شدة

سؤوت خلسه بنؤم قبيل قراكت ؤ المنوابك

What Print was professed in

المجلس دو ساعت أنروب در الحت

محافظت نظم و نزاكت عام الحم فطرباين كه شب خهارشنيه إعضى نما یشات خلاف نظیم و فزاکت از آقا یان اماشاحی ها در مجلس شورای ملهدیده شده بود ووز كدشته حتب الامر مقامات عالبه بيك عدم أزان فوق العادة والطرف دارد المعابلة المتعالس عاوراي ملي اغزام ند بر خلاف علم و نواکت عرکت ا شا هزاده قصرات الدوله در العقب واقع نشود المالية المالية المالية المالية

شاره ۲۳ س

احارسيم ي

المراكزات مسياسي ويجرونا والمكا

روز كذشته مقارن ظهر شمسترها

رت انکابس بذر بار آمده آبا آقای

روز كدشته يك ساعت قبل ازظهر ال

كتر زاين مستشار بالديه يؤيدمت آقاى وال

أبس ألوزراغ ملاقات نموده أو مداني

ممرقی و معاینه

ا كرات ديووز خود شرغني تكونهنيخ المعاب قانون ميز سيه و ند و خوق در ماده اول منا کرات في بؤدة مادة دوم قراك و دراطراف الروز كنشته قيل از ظهر د كتر ازطرف موافقين وتمخا لفين اظهارا لي ملتو د لیس کل ۱۱ لبه برای کذرالیدن شده و پس از کافی بودن مذا کرات قا نون ممبزى بمجلس شوراي على وفته والماده دوم ماده شوم قراكتومخا المير كبيبون فوانينها ليدحنور عمم رسانهد عقبد، داشتند که قعون بایستی عبو مبی دودبر ابن قافون دا كه بهترين دا اشد واحدت قشون مم اقى ساند راه ، انکتبر علیه ی دولت است از نمبو بب این وزير معارفهم اظهار داشتند كماين مجلس شورای ملی بکذراند 😲 🛬 مُسَمَّاءِ رَاجِعِ بِهُومًا إِسَلاحٍ وَ طَوِرَ بَارَهُ العديدا تتخاب هبثت مديره حون مدت مهدت مداره متعلى لعفظ

رای از لب سویاز دیکیری دو لت انتظارك ارده است که به رش مجانس دو آهدر به در الصحار دولتي منقضي شده بود مجلس المهد أز الصوب بموقع اجرا كداشته مزهور الجديد انتخاب قمو دمو در اخد آراء مخطس و کنومنار و نیس انسیاستور The state of the s يكي از مخالفين هم باداره كردن المحت في المار البيالي و ٢ قالى د كثر بو نس و سلحه منا لف و عقبده داشت كه بايستى خان مؤشى كرئ مجلس حفظ المعمد دولت سعى در اساس اسلحه بنعايد ور روایی منتخب کر دید تد خصوص سربازهم بأياتي قرابب داده شودكه الراكم المور وأعدم بديراتي مووی و اجباری باشد نظر بشرا كمامورات داخلي وزارت

خارجه روز كذشته آقاى وزيرا مورخارجه در اینمو قح جلسه برای انتیان اعطیل مجددًا ساعت ٧ بعد أن ظهرته لتكبل ز پذیرا نیسفرای خارجه معذرت خواسته مشنول المؤية امورات وزاراني يودند Weight of the state of the state of محاكمه مدير بدر ماذه لا قرالت و الر طرف منظ لفين بر حب اطلاعا ای که قبلا داده عَدْرَاضَاتُ وَ أُوضِيحًا لَى خُواسَتُهُ شَمْ 🖳 المدة بورد المواجعة المالية المالية المالية المالية موافقين اظهار داشتند كه اينها يك اديروزمدين روزنامة بدر باحضون المبية لمبائي است و دورات مختار اطلق نست هَمِئْتُ ﴾ منصفه وله مدعى عمو مي استبناف ﴿ قدرت دو لت محدود است و آهر کاری رُ احت رياست آواي شهد محمد حدين المنه خُواهد بكفنداياتي بتصويب مجلس باشد همداني محاكمه شد الم موضوع دغوى مدر در اینصورت ازومتی تدارد که مذا کرات اللهامي بدوده كه آقاى مدير بدر ا در روزنامه خو د به آقای رضا قلی خان ر أيدمو قع مدا كرات كافي أو آقاي معاون نظمية نسبت دا ده بو دند لْلُولَ مُعْلِمَةً وَالْكُنَّمُ وَأَعْلِمُ } [لم أوابه] سَمُّو إلَّالِي أَازَ أَطَرِفَ إِنَّاكُمِي عَمُومُ شد و جواب ها أي هم مدعى عليه داد ردا و دستور دا بقبه بر کرام هبتت بالأخره مدعى خصوصي [ رضا قلبخان ] اظهار داشتندکه کو لمکذیب مندرجات والمدير بدر در روزنامه البنويد از دعوای خود ضرف نظر می کنم سے پیم

مدعى عموم درجواباين اظهار كفتند

كه حون در أفوق العادم به أمقامات



مَفَضَّلَىٰ دَرُ الْبِنَّ زُمَّهِمْ الْبَشُّودُ إِنَّ الْمَهْمِينِهَا الْبَشُّودُ إِنَّا

جدو أت معبن نمو د ند

ديكرى هم أهرض نمو دهشما فقط مبثوا نبد از حقي خو د صرف اظر کامدو من أرحب وظَّبَفَه كه دارمبايَدْ قَصْبِه رَا لَعَقَبِ نَمَا يُم بالاخره نتيجه محاكمه معبن تهشده موكول به جلسه بعد کردید ، عندید در به

الجلو كبرى از أجعاف المائة قطر برابرت ما أبكه أز بنادر بحر خرر بوزارت خارجه رسید. بود مینی بِرِ أَيْلَكُمْ سُرُوبِسَ خُمَلَ وَ نُقُلُ ذَرَ بِحَر خزر حمل مال التجاره أأبرأن رَّامو كول باجازه الجار الحانهای اروان او انمایند کی محتاراً رُوسَتُهُ مُهلماً بِلَا أَوْ دُرَّةً مَقْءَ بِلَ الدّبَةُ اجازه نامه از طرف نجارت خانه های وز بور ایك حقى معادل الله دى دو المطالبه مهكمتند وزارت امور غلرنجة ما نما بنده كيُّر مختار أدو ك روس داخل أمدا كره شده والزطرف شفارت تونش لعابمات لازلما هر موقوف داشتني ارابت فوق شادر كرديد و انباع ايرآن مبثوانند أمن بعد كما في السابق يدون هبحكونه قشد و شرطی مال التجاره خودشان را بروسبه حمل نمایند

أخطار لتكبل خزانه دارى The Total Transport of the Art. لایعه شکیل خزانه داری که بر حبیب بېشقهاد د کښر مباسيو. از نصوب مجلس شورای ملی کاشتهٔ و برای اجرا بوزارت ما ابه فرسة روشده است روز كدشته إن طرف وقبس على ما أبه مقر وشدكه متمام ا دار أت ماجب تجمع لتكبل اداره خزانه رااخطار نمايند كه در آنبه مر كرجمع كل عايدات دو اتى والهرشميت بدناسند

مالهات مستقبم وغبر وستقبم سينا كور حسب معاميم تواب ديدد اكتر مهل يو اللبة يورا فراما لبات عبر مستقبل المعبر از دوسه محل در ولايات سميمه اداره كل ما المات معتبم ركويد المان المان المان المان o bayour a history

روايد المحت حقوق المسارة والمعارف المروز خقوق برج جدى أجزاء وزارت داخله پرداخته خواهد شدحقوتي بوج دلو خوت آن وزا لخانه را مم

خرارت و نزاع ، د

الببتو ينجم حوتخواهله يرداخه

امروز یك عدم از رعایای كن به اداره حكومت طهران آمده وازشرارت هدر أحاجي محمد على كالي شكاب أمو داله كه اخبرا سب حدوث بك نزاع سختى شده است نایب الحکویه آن جا همم را پرت مفصلی در آین باب بدار الحکو مه قرستاده و القاضاي المقبن بدر حاجبي محمد على رأ تموده بود لهذااز طرف حكومت طهــران عادضين را يا را فــرت يادا زم مُدعى العشومي فرستادند كه قضمه را العقب أ وقرار آسایش طارضین آرایدهند

عند اخمار واعلم

أ مُن المُهما لمور العظنون الله المعالمة الم N 18 W ( 12 - A Strade) المواجب الطلاعي كذار مدخس ايران بدولت رسیده است عبشی خان بلوج که نقريبا فابكصد خانوار ازكمان و بستكان خود الله رؤسيه بهاك ايران آ مد موخهال

توطن دارد مورد سوء ظن واقع است كرجه عهسي خان سابقه بشزارت ومردما آزاری ندارد ولاکن احتمال دارد که مشارًا لبه هم پس از یك مدت اقامت در خاك إيران منل كريم إيخان وصفر خان اسباب زحمت ساكنهن سرحدرا وراهم 100 12 . 12 . 18 " ( 1 . 10 ) Sin

قصد مهاجرت از ابران

مطابق اطلاع خصوصيكه للحصيل شده است طایفه حلالی معروف که از ما کو شرخد آ در بایجان از جندین سال قبل الاحال اقامت د رند اینك ا بخمال مهاجرت از ایران روسبه افتاده الدولي ازطرف مامورين دولتي جلو کمری از مهاجرت آن ها شد، آن چه با ووسای آنها مذاکرد ،کرده اند فسح عزيمت ننموده انع لهذا ما مورين دولت در این باب کشب اکایف از مركزة نموذه انديهة الهمه أهاء ليبده کمه بنون سرحدی

﴿ أَزُ قُرَارِ خَبِرَى كُمْ أَزَاسَتُرَا بَا دَرَسَبُدُهُ است هممنت اعزامی ایران بکه در ایعت ويأست مستشار الدوله برداى مذا كرات سرحدی جرک نموده اند منتظرند نما بندكان دو أت روس حضور به سرسا نبده در عاشورا ده کمسبونی منعقد کنند و داخل در مذا کرات مقدمانی بشوند از انجاهم بمحل رفته معاينه محلى بنماينة دو تفر از قمایمد کان روس کیماموراین كسبون همتند حركت كردم وعمار قریب درعاشورا ده حاضر خو اهند شد

المجهز عدا الرحد المالية به وحب اخباریکه از سرحدات، بن بمركز وسبلاه الستاشيخ المحمو ددر كردستان عَيْمًا نِي عُملُمَاتُ خُودُ رَا إِدَامُهُ وَإِذَا وَا سواره منظمي ازا اكراد نشكيل داده است أخبر بكفده از سوارهاي خبود زا أسه سرحدات اطراف خود اغزام تمودهسدة طهُ هم بادويت نقر شوال حركت كرده : ست که بشبخ محمود ملحق کردد ﴿ المام المرابع عرض حصبه

وَرَطْبِقُ زَا بِرِتُ لَلْكُوا فِي وَاصْلُهُ ۚ بِنَا مجلس خفظ الصحة ذواتي مرض الحصنة دُر آستا رای روس شبؤع یافته استو مجلس الحفظ الصحه دولتي مطابق قوانبن بن المللي مقرر المؤده إست كه قرصورت سخت شبوع مرض لذ کور جاو کری از سرایت آن سرحدات ایران قرانطبنه بكذاوند . المنافق المنافق المنافقة المنافقة

خلع اسلحه

اردنبل اس امر المكر شعال غرب أز ديروز امر تنحويل كرفتن اسلحه دُّر لمام طوایف وخوالین شراب و کوم رود و خلخال دمودم و مقدمه اسلحه را هم آورده الحويل اداره نظام مي نما يد اين اقدامات معنزي البه باعث أَمْنَاتُ أَوَا أَمِي الدِّبَالِي وَ هَشْتُرُودَ وَ كُرْمَ رُود خُواهد بؤد عموم آها لي هم متشكر هَدَيْنَا أَوْ أَمَا قَمَانَى مَبْنَمُ أَيْنِد كُو يُسَ الْ لمجندين سان اغتشاش و ناأمني كه مالك حان و آمال و عرض و ناموس نمودند إعلاهما انشاء الله در رفياً م و آسايش 

۰ خود کئی يد - رئيس عدليه يو روزاست

والله و مشغول كار و لر البِّمات عدالبه شده اند متحسنين للكرافخانه اردكان مطابق أبرت والمله ازائحصل خارج شده آند ازقرارا مذكور بيك زنني بواسطه بئ عبدالتين شوهرش السبت البدوعبال و الما بل شوهر بزن دیکرش اریاك خورده و خودش را كشته است ارزان فراوان ولي كران Mary Company Company Company The selection of the second

### يريد إكفالت نظمهم والمدينة

فوجان ــ دروز عصر دو نفر از نو كرهاى سطوت الملك را سواران امنهه باطلاع ناصر لشكر خلع سلاح نمو دماند تَهَا لَتُ الظَّمْهِ إِزْ طَرَفَ حَكُمُو أَنْ بِمُتَرْجِمٍ الملطان واكذار شدها بن سهد عمين خُدَّانَ وَ أَرْ نُبِسُ لَظُمْهِمُ أَ خَرِ لَى مَثَا جُدِرُهُ الحاصل شده بوه بوسبله ما وربن دو لتئ أالتبلم يذيرفت ازطرفعدلهه براى شصت الوامان كداى مملاً آقا جان بزازاحضار شد رزای حکومت ورستاده شد رزای اسکات رعایای ناروج میآشری آنجا از کان هرُّ بِرُ المُلكُ مَنتُزَعُ وَ هُنُوزُءُ امْتُ دَرَخْتُ همای آن ها کرفته نده. نوقبف قاجاق

درُجِز ﴿ دَيْتُ دُوا زُدِهِ نَفُرُ ازْ اهَا لَي جا پشلو که حامل بعضی اشهاء و بکراس اسب و يكنفر شتر بكوده و خاقاق از روسه مباورده اند پست نظامی اشباء را ماخوذ و توسط فرماندة شاخلو بإدارة كمرك منفرستد كار اكذار أسه رؤوز أست بَلُّطُفُ آبًا دُّ رَّافَتُهُ وَ لَمْرَاجِعَتْ نَكُــُودُهُ 生きない 対している

همخان اها ل سُبِرُو أَدِ ﴿ أَزْ قَرَادَ \* مَذَ كُورَ عَلُو رَانَ \* نام فاحشه كه بك سال است زن منان على نام لقال سيزه وأرى بمباغ بنجاء لومان شدة آلت شب كد شته در منزل ر ابس عدلبه مناول طرب و شرب و ده بعد إز اطلاع مردم خمعي از محتر مين شما نه الفاق رئيس نظميه منزل رئس غدابه رفته الطوران والإهمان حال ببرون اورده يشو هرش مبدهند صبح اهسالي اجماع نموده بازارها را العطيل كرده ، كه به منزل و ثبس عد لبه وريزند حكومت مطلع شده شخصا داخل با زار و جماعت شده و تجمعیت را ، ا من سکوت و معقو ابت قمو ده بازار ها را باز انما يند مرا ليرا آقاي حساجني مبرزا حسبن مجتهد و حکو مت اللکر آفا باو ایمای دو آت را برت دادند روز شنية و يكشنيه دردم بتلكراف خَانَهُ مَدُهُ خُمُّالُ لَحْصَنَ دَاشْتَنْدُ ازْطُرُفَ رئيس الكرانخانه و عده و اطمينان بان ها داده شد متفرق کردیدند از این

## 1964 : 47 5 C احارفاره ناحيه روهر الماء ا

﴿ ﴿ لَا كُوافَ وَاصْلُهُ إِذْ كُو لَوْتُمَى ۗ مجنبن مشهر أست كه أبك بإطاليان قواي سباه يوسَّتْ و يك بإطالبان قواي سقبد پوست ( دار مستاد ) ازا آشفال کرده اند . فرانسوى ها مجددا كلين كبرش و شوار ) را مصرف دائد الله الله The way were the said

TO THE RESIDENCE OF THE PROPERTY OF THE PROPER

کو منز بسمحکمه نظامی (بریماس) Legisla Talking to the State of حاکم محل را به جهار سال حبس و اهالي برلن از اشغال " بنشا در ده ملبون مارك جريمه لقدى محسكوم ( مایهیم) و کاراروه ) که مهم ارین نموده است نایب الحکومه محل به پلیج پنسا در لجسار لی رن و مرکز کار خانجات راه آهن های دار مستاد ) و سال حبس و ۱۵ ملبون مارك جريمسه هُــُـم حِمْيِنَ مِر كُنْنَ العِمْمِرَاتِ البُود وَوَتَى محكوم شده است چون از اطاعت او امن العادة در هبجان شده اند معهد المصادر فرمانده فرانسوى امتناع ورزيده بود اشعار می دارند که از مقاومت آلمان. No sala de la facto de la fact

ا منس خرے کار کران، معادن مقہم بھ ( ابرنماج، ) بر له شروع بکاردو روزهی دو شنبه رای داده اند 🚉 ৣ ( ر ) 🎍 . at was a second of the second

🖟 اسن – فرانسوبان محدداً . قسمتی 🌏 از ﴿ كُلَّتِن ﴾ كبرش ﴾ راديروز ﴿ لَمُسرف ﴾ أموَّ دند . يلبس ناحبه ( شو لتر ) منحل من شده است و حالبه دلبس حقبقي درا نواحی اسن ) و بوشوم ) و کلمان کبرش ﴿ یا فت نه می شود و باین منا سبت سرقت 🖟 هایزیادی بوقوع پیوسته است پیشنهاد ، فرانسو بان راجع بة نشكهل ريلبس الله مخصوص السبحال بكلى رد شده است م هر حند فراندویان راضی شده اند که 🖳 يلبس ما لياس نظامي در بر، كنند باستندای پلس ، شو ار ) که الساس ایران خا کستری در ایر خواهند کرد و در در در در بالرئس المساد فولت فراكه بعلين

آلمان جنين اطلاع داده استكه اشغال .

نواحي ( کارلبار و و مايهين ) و فسرف

جنِّد دکا کین در ناحبه دار مستاد ) به

علت اعتصاب در لرغه مرن ) هي باشد

که اخبرا برای شد کردن لمرغه مذکوره شد

دو کشتی کو حك راغرق كرده اندى دران

الركالاعا المادة المادة

ها بسرعت كاسته من شود و بېشتر از

أوأسط ماه مِه اطول الخواهد م كتمد من

از علائم و اثارات موجوده مُهاوم مي

شود که در پاریس و ۴ بر ان ملتقت شده

اند که بایستی در آنبه نزدیکی قراری

داله ه شود آن وحدي متمان و تحديد

و الله المام المام

شانسلبه آلمان ديروز در بران ايراد؛

نمُــود ، خينين اظها را داشت که آلمان

حاصدر است الآخرين قدارت خود

مقاومت نماید و لی در عین خال حاضر

الت هر کو نه طریقی را برای یافتن

راه حلى قبول زمايد هر حند راه حلى

که اداشی دن دا بطوری که قسل از

اشتغال بودياقي نسكمدارد قبول نحواهد

William Walls of the Control of the

ارت ) رئیس انجمهوری آ امکان

مغرد راشته است کانی که زاجع آبه

مَمَّا ثُلُ أُوْتُصَادِيْ وَ سَمَّاسَى بِأَ نَظَا مَيْ فِرَاي

دوّل اجنبي که در موقع صلح اراضي

آلمان را اشغال أموده أند تجاسوتني

نما يند بده سال حبس و در بعضي او قات

به رقبت دائم محکوم خواهند شد

(7) 海中世界 如河洋

بنا أنه لقاضاي عدة إز آقايان مُحترم أنمايش باشكوه الاهه با همان معجدمات أبق در المله دوشنمه ۲۴ رجب باشتراك آر المست شهيريري ( مادام آقا بابوف) المعرض تما يش كدار ده خواهد شد الماحيان دوق و قريحه ادبي اليته ابن شب نشهني با شكوه را غلبمت خواهند الما شمرة على قبينت بلبط على الله الول ١٥ لر دويم ١٢ أو مان المسابع ال ٣٠ لها ٥ ما قران المران المران المعلم فروش بلبط منزل المسبوس آقا با بوف المال المالية الما المرم اعلان على) المرام العلان على المرام العلان العلان على المرام العلان الع المناهي إعلانات ، المناهي إعلانات ، المناهي إعلانات ، المناهي العلانات ، المناهي العلانات ، المناهي المناهي المناه المناه

# بورش لندن

قيت خاضره المستدا فيت اصلى الما

A form the first the

لېره	شلبنك	اينس	البرة	شلبنك	ر س	7 - 25 - 25 - 25 - 25 - 25 - 25 - 25 - 2
* No.			Address of the latest of the l	A SHARE WATER AND A		سهام بانك شاهنشا هي . ه قرضه ۱۹۱۱ دولتا بران ه متعارفي كمهاني نفت جنوب ه متعارفي حديد و

و رس باریس	بورس طهران
لندن ، ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ اندن ، ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ اندن ، ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ اندن ، ۱۳۰۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳۰ - ۱۳	The second secon
	الندن مكتوبئ ٥٠-١٥ ٥١-١٥ ا
سویس عدد الله الله الله الله الله الله الله ال	آبار ایس از این
اسیانی اسلام اسلام کرد اسلام کرد کرد اسلام کرد	نو يورك منه ٥٠-١٠ ، ٥٠-١١
in the death and the transfer of the transfer	رويه بميلى دار در الله در ۲۹۶

مطبعه بو سفول المناسب